



# هزار چراغ و یک فتیله

میزگرد نگاه معلمان اردبیل به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش

نصرالله دادار

«نگاه معلمان به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش» عنوان میزگردی بود که با شرکت تعدادی از معلمان عزیز در اردبیل برگزار شد. در این میزگرد، حاضران ضمن نقد چگونگی اجرای سند تحول بنیادین، راه کارهایی برای بهتر اجرا کردن آن پیشنهاد کردند. این میزگرد با حضور خانم زکیه باقراسکویی، کارشناس ارشد شیمی آلی با ۳۱ سال سابقه، آقایان: محسن رستمزاده گیوی، کارشناس زبان و ادبیات فارسی با ۲۵ سال سابقه، حسن فتحی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی با ۲۵ سال سابقه، بهزاد سلیمانی، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی با ۲۴ سال سابقه و طهماسب بیرامی، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، با ۳۰ سال سابقه کار در آموزش و پرورش برگزار شد. شما را به خواندن متن گزارش میزگرد دعوت می‌کنیم.

پیکره آموزش و پرورش وارد شود. علاوه بر این نیروهای جدیدی هم که هیچ تجربه‌ای در آموزش دوره ابتدایی نداشتند وارد کلاس‌ها شدند که این امر اصل آن تغییرات را زیر سؤال برد. تغییراتی که در کتاب‌های درسی رخ داد هم بسیار عالی بود. مثلاً بحث کار و فناوری در پایه ششم قدم مبارکی بود که متناسب با نیازها و علایق دانش‌آموزان بود، اما باز هم در این موضوع ما به زیرساخت‌ها یعنی سیستم‌های رایانه‌ای در مدارس توجه نکردیم. همین امر باعث شد در بسیاری از مدارس استان، کار و فناوری صرفاً به صورت تئوری تدریس شود. تغییر دیگری که

ارزیابی شما از تغییراتی که در سال‌های اخیر با نام اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش رخ داده است چیست؟  
حسن فتحی: با توجه به نظر کارشناسان تعلیم و تربیت و همچنین با توجه به تغییرات روز دنیا این امر لازم و ضروری بود. اما قبل از این تغییرات باید بسترها و زیرساخت‌های لازم فراهم می‌شد. یکی از این بسترها نیروی انسانی یعنی معلم است. ما با اجرای طرح ۳-۳-۶ با کمبود نیروی انسانی مواجه شدیم و برای جبران آن مجبور شدیم از نیروهای مازاد دوره راهنمایی استفاده کنیم که سبب شد لطمه بزرگی به

محسن  
رستم‌زاده:  
تغییرات  
عجولانه بود؛  
باید پله پله  
انجام می‌شد

البته در سال‌های اخیر این اتفاق افتاده است اما کم. ما در طرح تحول بنیادین با ۱۰ تا ۱۴ میلیون دانش‌آموز و خانواده‌های آن‌ها سروکار داریم. یعنی یک‌سوم جمعیت ایران تحت‌تأثیر این تحول هستند. آیا بسترسازی لازم برای آن تغییرات صورت گرفته و معلم خودش آماده این تغییر هست؟ به نظر من این تغییرات عجولانه بود و باید پله‌پله صورت می‌گرفت. در گذشته اگر قرار بود کتابی را تغییر دهند در چند منطقه به‌طور آزمایشی اجرا می‌کردند و نقاط قوت و ضعف آن را پیدا می‌کردند. اما در این طرح این‌گونه نبود. معلم باید فرصت هماهنگی با این تغییرات را داشته باشد تا بتواند کتاب درسی را آموزش دهد. اگر معلم با دانش‌دیروز سر کلاس حاضر شود موفق نخواهد بود. ابتدا نیروی انسانی باید این تغییر را بپذیرد تا بتواند دانش‌آموز را تحت‌تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد باید نقش رسانه‌هایی مثل صداوسیما در این امر پررنگ باشد و همه مسئولیت به‌عهده آموزش‌وپرورش نباشد.

**بهزاد سلیمانی:** تغییر و تحول در آموزش‌وپرورش یک نیاز جدی بود. از یک‌سو تغییر در مؤلفه‌های نظام آموزشی، محتوای آموزشی، کتاب‌ها و مواد آموزشی است که سال به سال غنی‌تر شده و ضعف‌هایش برطرف می‌شود تا بالاخره محتوای کامل و ناب به‌وجود آید. از سوی دیگر تغییر در امکانات و تجهیزات بود که طی هوشمندسازی مدارس به‌وجود آمد. در این موضوع هم به‌تدریج مدارس مجهز به امکانات و تجهیزات می‌شوند. نکته بعدی تغییر در روش‌های تدریس و مهارت‌های معلمان است. قلب تغییرات آموزش‌وپرورش تغییر معلمان است. نگاه معلمان باید تغییر پیدا کند تا بتوانیم به تغییر اساسی و بنیادین در آموزش‌وپرورش دست پیدا کنیم. بنابراین باید نگاه جدی به معلم داشته باشیم.

**زکيه باقراکويي:** در گذشته تغییرات براساس الگوبرداری از کشورهای دیگر انجام می‌شد و به واقعیت‌ها توجه می‌کردند. اما سند تحول بنیادین سندی ایده‌آل و کمال‌گراست تا واقعیت‌گرا و براساس تعلیمات اسلامی نوشته شده است. در اینجا باید معلمان شناخت دقیقی از دین خود داشته باشند، اما معمولاً این‌طور نیست. چون اسلام را از راه کاوش و بررسی و مطالعه قبول نکرده‌اند. یکی از ضعف‌های سند تحول ایده‌آل‌گرایی و مطلق‌گرایی است. قله این سند «حیات طیبه» است که برای رسیدن به

در این سال‌ها دیدیم در حوزه ارزشیابی بود که مقاومت همکاران و اولیا را به دنبال داشت. نیاز بود که زمینه فکری این تغییر برای معلمان و اولیا ایجاد می‌شد. البته تا حدی این زمینه ایجاد شد ولی مواردی که نه در حوزه اختیارات استان است و نه وزارتخانه، این تغییرات را زیر سؤال می‌برد. مانند مدارس نمونه و تیزهوشان که ارزشیابی آن‌ها کیفی توصیفی نیست. جریان یاددهی یادگیری، هم برای معلم و هم برای دانش‌آموز، لذت‌بخش است اما مدارس نمونه و تیزهوشان لذت یادگیری را از هر دو گرفته است. در کلاسی که هم معلم مضطرب باشد هم دانش‌آموز، یادگیری شاداب و بانشاط اتفاق نمی‌افتد.

ما باید بپذیریم که دانش‌آموزان امروز مانند دانش‌آموزان دیروز نیستند. پس معلمان هم نباید معلمان دیروزی باشند. باید خود را به‌روز کنند. قبلاً معلم همه چیز را می‌دانست و کلاس‌ها معلم‌محور بود، اما اکنون دیگر با دانش‌آموزان هم‌سطح هستیم و گاهی آن‌ها از ما جلوترند. بنابراین هر معلم باید مسئول تغییر خودش باشد. نگوییم با یک گل بهار نمی‌شود. بگوییم با یک شمع روشن می‌توان میلیون‌ها شمع را روشن کرد. اگر من تغییر کنم می‌توانم روی بسیاری از همکاران تأثیر بگذارم. نباید ایجاد تغییر در خود را منوط به امکانات و وجود رئیس اداره ایده‌آل کنم. باید با خود بگوییم من معلم هستم و مسئولیتی دارم. باید خود را به‌روز کنم تا بتوانم به نیازهای دانش‌آموز پاسخ دهم.

**طهماسب بیرامی:** در مجموع این تغییرات نقطه شروع خوبی است ولی باید در زمینه گزینش معلم، تربیت معلم و حفظ و نگهداری معلم عنایت ویژه‌ای داشته باشیم. ما متعلق به نسل دیگری هستیم و اگر نتوانیم با نسل جدید پیوند برقرار کنیم مشکل خواهیم داشت. نسل جدید، نسل دیجیتال و مجازی است ولی ما هنوز مختصات آن‌ها را نشناخته‌ایم. باید موقعیت معلم را بالا برد و این امر با شعار دادن نمی‌شود. واقعاً می‌بایست روی شاخصه‌های آموزشی و عواملی که بر کارآمدی و ناکارآمدی سیستم آموزشی نقش دارند استانداردهایی را تعریف کرد.

**محسن رستم‌زاده:** نکته‌ای که باید به آن توجه کرد آن است که معلم در کجای تحول قرار دارد؟ همه تصمیم‌گیری‌ها در وزارتخانه انجام می‌شود و معلم فقط باید کتاب را تدریس کند. در حالی که باید از تجربیات معلمان استفاده شود.



چارچوب عمل کند باید کنار گذاشته شود زیرا هدف اصلاح و ارتقای جامعه است.

**رستم زاده:** ما باید کارآیی تغییر را در نظر بگیریم. برای تغییر هم باید ایجاد انگیزه کرد. علم معلم باید به روز باشد و با استفاده از تجهیزات و امکانات جدید تدریس کند. همچنین معلم باید به کار خود باور و ایمان داشته باشد. اگر من قبول کردم معلم باشم باید پای همه کم و کاستی‌ها و سختی‌هایش بایستم. من باید باور داشته باشم که غیر از خودم می‌توانم ۳۰ نفر دیگر را تغییر دهم. ما با دل‌های افراد سروکار داریم و به پاک‌سازی دل‌ها می‌پردازیم. تطهیر دل‌ها کار معلم است.

**آقای فتیحی شما در حرف‌هایتان گفتید گاهی طوفانی شمع‌ها را خاموش می‌کند. منظورتان از طوفان چیست؟**

**فتیحی:** اجازه می‌خواهم طوفان‌ها را با مصداق‌هایشان بگویم. سال گذشته دستور داده شد که همه مدیران و معاونان باید به جای معلمانی که بیش از ۲۰ سال سابقه دارند در کلاس درس حضور پیدا کنند و تدریس کنند. مدیر و معاونی که تا امسال مجوز حضورش در دوره‌های ضمن خدمت داده نشده است. طوفان دیگر آن است که سیستم هیچگاه به معلمانی که موفق و توانمند هستند مسئولیت نداده است. مثلاً هیچ‌وقت پست معاونت یا مدیریت را به معلمان موفق نمی‌سپارد اما این پست‌ها را به افرادی می‌سپارد که هیچ‌نگرش آموزشی ندارند. این دومین مصداق طوفان‌هاست که شمع‌های زیادی را خاموش می‌کند. علاوه بر این‌ها تعدد برنامه و فعالیت‌هایی که در دوره ابتدایی اجرا می‌شود، آنقدر خسته و گیج‌کننده است که درس‌پژوهی را زیر سؤال برده است. با حجم

آن باید دانش‌آموزان از دو سالگی به مدرسه بروند. نباید آموزش از سوی والدینی باشد که نگرش و آگاهی خوبی از دین ندارند. چون بعدها دانش‌آموز دچار تناقض می‌شود.

**می‌توان از حرف‌های شما این‌گونه استنباط کرد که برای رسیدن به قله آموزش و پرورش یعنی حیات طیبه، بستر فراهم نیست؟**

بله. هر کلمه سند تحول جای فکر دارد. حتی پیامبر(ص) هم در مورد هدایت جامعه مسیری تدریجی داشته‌اند. ما هم ابتدا باید اسلام را بشناسانیم. از سوی دیگر در بند بند سند تأکید شده است که به دانش‌آموز در کلاس فرصت کاوشگری بدهیم. اما وقتی کتاب علوم ۱۶۰ صفحه‌ای با یک آزمایش در هر صفحه را باید طی سه ساعت در هفته تدریس کنیم، حتی نمی‌توانم فرصت پنج دقیقه تفکر به آن‌ها بدهم.

**شما چه پیشنهادی برای تغییر معلمان دارید؟ بهزاد سلیمانی: تا زمانی که معلمان از آموزش کافی و متناسب با تغییر و تحولات برخوردار نباشند، تغییرات به وجود نمی‌آیند. ما باید امکانات، فضا و وسایل آموزشی را برای معلمان به روز کنیم. عامل دیگر ایجاد انگیزه در معلمان است. باید برخی امتیازات را برای همکاران ساعی و برجسته در نظر گرفت. انگیزه درونی هم مهم‌تر از انگیزه‌های بیرونی و مادی است. باید نگاه و بینش معلمان به حدی برسد که خودشان طالب تغییر و تحول باشند.**

**آیا شما با نظر آقای فتیحی موافقید که می‌گویند برای تغییر باید نگاه معلم تغییر کند؟**

**باقر اسکویی:** فردی که معلمی را انتخاب می‌کند، باید به آن ایمان و علاقه داشته باشد. باید چارچوبی برای معلم تعیین کنیم تا اخلاق، رفتار و علم دانش‌آموز را از سطحی که هست ارتقا دهد. اگر در پایان مهلت خود نتوانست طبق چارچوب عمل کند، دیگر به‌عنوان معلم وارد کلاس نشود. تا امروز هیچگاه با معلم این‌گونه جدی برخورد نشده است. یک معلم هرطور بخواهد تدریس می‌کند. حتی ممکن است تدریس غلطی داشته باشد اما کسی او را مؤاخذه نمی‌کند. وقتی معلمی نتواند طبق

حسن فتیحی:  
اگر من تغییر کنم می‌توانم روی بسیاری از همکاران تأثیر بگذارم. نباید ایجاد تغییر در خود را منوط به امکانات و وجود رئیس اداره ایده‌آل کنم



## انگشتانی که می‌بینند!

محمدحسین دیزجی

در مراکز فراگیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که کودکان نابینا، ناشنوا و معلولان جسمی و حرکتی در کنار سایر بچه‌ها به مطالعه کتاب می‌پردازند و سایر فعالیت‌ها را با هم دنبال می‌کنند، دوستی‌ها مستحکم‌تر می‌شود. فائزه، دختر نابینا و عضو کتابخانه کانون پرورش فکری بندرعباس برای دوستش فاطمه، کتاب «خداحافظ راکون پیر» اثر کلر ژوبرت را می‌خواند. مربی کتابخانه بعد از این صحنه زیبا، دست کودک نابینا را بوسید. این رویدادهای زیبا را با چشم دل ببینیم.



زیاد کتاب‌هایی که باید در سال تدریس شوند، نمی‌توان به همه این برنامه‌ها و فعالیت‌ها رسید و کتاب را تمام کرد.

◀ به نظر شما چگونه می‌توان معلم را با انگیزه کرد؟

**سلیمانی:** در سند تحول بنیادین در زمینه ایجاد انگیزه در معلمان آمده است: ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی با تأکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم؛ به راهکارهای این هدف نیز چنین اشاره شده است: برنامه‌ریزی به کارگیری امکانات و فرصت‌های اجتماعی برای اعتلای فرهنگ عمومی در تکریم و پاسداشت مقام معلم. اما تا چه اندازه بستر این موضوع فراهم شده است؟ چه میزان از برنامه‌های سند تحول را پیش برده‌ایم تا از فرصت‌های اجتماعی در جهت تکریم مقام معلم استفاده کنیم؟ در زمینه ایجاد انگیزه برای معلمان چه امتیازاتی به آنان داده‌ایم؟ موضوع رتبه‌بندی معلمان یکی از موضوعات قابل توجه در ایجاد انگیزه در معلمان بوده است ولی این مطلب زمانی قابل اتکاست که نظام رتبه‌بندی نظام‌مند باشد.

**فتحی:** من معتقدم باید معلمان بی‌انگیزه را رها کنیم و مراقب معلمان با انگیزه باشیم. حفظ معلمان با انگیزه مهم‌تر از ایجاد انگیزه در معلمان بی‌انگیزه است.

**رستم‌زاده:** باید برای افرادی که با انگیزه‌اند، امتیازاتی قائل شویم. منظور فقط امتیازات مادی نیست، بحث معنوی امتیازها هم مهم است. موضوع بعدی نگاه مسئولان است. ابتدا باید خود مسئولان آموزش و پرورش ما را بپذیرند تا جامعه بپذیرد.